

## بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق

### در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده ی شیراز

پروین غیائی<sup>۱</sup>، لادن معین<sup>۲</sup> و لهراسب روستا<sup>۳\*</sup>

#### چکیده

موضوع این پژوهش، بررسی عامل های اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز است. چارچوب نظری این پژوهش با توجه به پژوهش های پیشین و مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته است، ترکیبی از نظریه های جامعه شناسی خانواده و انحرافات اجتماعی است که از نظریه های مبادله، توسعه ی خانواده، نظام ها، نقش ها و انحرافات اجتماعی استفاده شده است. روش پژوهش از نوع پیمایشی می باشد و ابزار مورد استفاده برای گرد آوری داده ها پرسشنامه بوده است. در این پژوهش داده های مورد نظر از افرادی است که در سال ۱۳۸۸ به دادگستری مراجعه و گرایش به طلاق داده بودند، گرد آوری شد. حجم نمونه ۳۵۳ نفر می باشد که به صورت تصادفی انتخاب شده اند، تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد که در بخش آمار استنباطی از رگرسیون دو متغیره، چند متغیره، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T و آزمون F استفاده شده است، نتایج بدست آمده از پژوهش نشان داد که: در تحلیل رگرسیون دو متغیره، متغیرهای اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه ای معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق زنان رابطه ای معنادار و معکوس دارند. متغیرهای برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر، عدم صداقت همسر و عدم مشورت در امور زندگی با میزان گرایش زنان به طلاق رابطه ای معنادار دارند. در تحلیل رگرسیون چند متغیره، معادله ی رگرسیونی جهت پیش بینی میزان گرایش زنان به طلاق به روش گام به گام استفاده شد و متغیرهای عدم برآورد نشدن انتظارات نقش همسری، خشونت همسر و عدم صداقت توانستند ۶۹ درصد از واریانس متغیر وابسته (گرایش به طلاق) را پیش بینی کنند.

<sup>۱</sup> - استادیار هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

<sup>۲</sup> - استادیار هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چهرم.

\*- نویسنده ی مسئول مقاله: Lohrasb.rousta@yahoo.com

واژه های کلیدی: طلاق، گرایش به طلاق، عامل های اجتماعی.

## پیشگفتار

بررسی پدیده ها و مسایل اجتماعی از دغدغه های اساسی کارشناسان علوم اجتماعی است. در این راستا این پژوهش سعی دارد تا به انجام یکی از آسیب های اجتماعی به نام طلاق<sup>۱</sup> بپردازد. در پژوهش هایی که در گذشته به وسیله ی پژوهشگران دیگر انجام گرفته، ثابت شده است که وقتی طلاق، به یک آسیب اجتماعی تبدیل شود، باعث ایجاد آسیب های اجتماعی دیگر در جامعه چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم می شود مثل اعتیاد، بزهکاری، خودکشی، اختلالات رفتاری و شخصیتی و... در این پژوهش سعی شده تا به عامل ها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی که در درخواست طلاق دخیل هستند، پرداخته شود. این پژوهش بر اساس نظریه ی جامعه شناسی خانواده، نظریه ی نقش ها، نظریه ی شبکه ای و نظریه ی آسیب شناسی اجتماعی به بررسی این آسیب پرداخته تا بتواند از این منظر متغیرهایی را در نظر بگیرد و اثر آن ها را بر طلاق و افزایش آن مطالعه کند و با در نظر گرفتن و توجه به این هاگامی در جهت حذف یا این متغیرها برداشته شود تا هدف اصلی که مهار طلاق در سطح جامعه است، محقق شود (ستوده ۱۳۸۸).

## مروری بر پژوهش های پیشین

سیف اللهی ننه کران (۱۳۷۲) پژوهشی با عنوان بررسی علت های طلاق در شهر تهران انجام داد و نتیجه گرفت نداشتن توافق اخلاقی (۲۵ درصد)، اختلاف خانوادگی (۲۱/۸ درصد) اختلاف داخلی (۱۰/۶ درصد)، نداشتن سازگاری (۱۰/۵ درصد)، اعتیاد (۶ درصد)، عدم تمکین (۵/۵ درصد)، عقیم بودن (۲/۳ درصد)، نداشتن بچه (۲/۳ درصد) و ندادن خرجی (۲/۳ درصد) در طلاق زوجین مؤثر بوده اند.

مساواتی (۱۳۷۵) از پژوهشی با عنوان خانواده های مهاجر روستایی و زمینه های طلاق نتیجه گرفت که طلاق و اختلافات خشونت آمیز زوجین در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. دانش و همکارانش (۱۳۷۰) پژوهشی با عنوان علل و عوامل طلاق در شهر تهران انجام داده و عامل های مؤثر بر طلاق در شهر تهران را به دو دسته تقسیم کرده اند: ۱- عامل های اقتصادی از جمله فقر، کمی درآمد، نداشتن مسکن، بیکاری، تورم و ... که خود این عامل ها معلول عامل جنگ

<sup>۱</sup> -Divorce

در دهه ی گذشته و ازدیاد جمعیت می باشند: ۲-عامل های غیر اقتصادی همانند: فرهنگ معارض طرفین، چند همسری، سواد و بیسوادى و اختلافات طبقاتى که در شهر تهران به علت ازدیاد جمعیت مشهود است.

آقاجانیان و مقدس(۱۳۷۴) پژوهشى با عنوان پیوستگى ها و پیامدهای طلاق در شهر شیراز انجام دادند و نتایج پژوهش نشان داد که: زنان ازدواج کرده در سنین بالاتر از شانص طلاق بیش تری برخوردارند. تحصیلات بالاتر و نقش های خارج از خانه برای زنان تاثیر مثبتی بر طلاق نشان می دهد.

صدق آمیز (۱۳۷۶) پژوهشى با عنوان بررسی عامل های مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز انجام داد. نتایج بدست آمده از پژوهش بالا به صورت زیر است: متغیرهای سن زن، سن شوهر، سن زن هنگام ازدواج، تعداد فرزندان، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات مرد، تحصیلات زن، منزلت شغلی مرد، اشتغال زن، محل تولد زوجین، ازدواج مجدد زوجین، نحوه آشنایی با همسر و نسبت خویشاوندی رابطه ای معنادار با متغیر وابسته یعنی سازگاری زناشویی داشته اند .

صدق پور (۱۳۷۷) پژوهشى با عنوان " بررسی عامل هایی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می شود " انجام داد . این پژوهش با استفاده از پرسشنامه، ۲۰۰ خانوار که به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند و دارای مشکل خانوادگی بودند را مورد بررسی قرار داد که ۳۱/۱۱ درصد از خانواده ها مشکل آن ها به طلاق منجر شده بود و ۵۱/۱۱ درصد آشتی کردند و ۱۷/۷۸ درصد هنوز دارای اختلاف خانوادگی بودند. پژوهشگر در این پژوهش پس از بررسی این خانواده ها به نتایج زیر دست یافت:

روابط نامشروع جسمی و جنسی و عدم تفاهم مهم ترین عامل طلاق است. عامل بعدی که در اختلافات مؤثر است، ضرب و شتم است، ولی در طلاق نمی تواند مؤثر باشد. تحصیلات زوجین هر چه بالاتر باشد، احتمال طلاق کاهش می یابد، ولی اگر بین میزان تحصیلات زوجین اختلاف وجود داشته باشد، احتمال طلاق افزایش می یابد و بر عکس هر چه تحصیلات زوجین مشابه باشد، احتمال وقوع طلاق کاهش می یابد.

به لحاظ سن زوجین یافته های این پژوهش نشان می دهد که اگر سن زن بیش تر از مرد باشد، بیش تر منجر به طلاق می شود. در مورد معاشرت ها و ارتباطات، معاشرت با والدین زن یا مرد تاثیری بر طلاق ندارد، ولی ارتباط و معاشرت با دوستان مرد طلاق را افزایش می دهد.

رحیمی (۱۳۷۹) پژوهشى با عنوان " بررسی علل طلاق در استان خراسان " انجام داد و به نتایج زیر دست یافت: عدم تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، مداخله ی دیگران اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی از مهم ترین عامل های طلاق است. در این

میان، عدم تفاهم اخلاقی با ۲۳/۷۶ درصد بیکاری با ۱۷/۴۶ درصد و مشکلات مالی با ۱۶/۱۲ درصد به ترتیب در رأس عامل های قرار دارند.

پور صادق کردی (۱۳۸۸) در کتاب بررسی علل و عامل های طلاق، علل و عامل های اجتماعی مؤثر در وقوع طلاق بین زوجین را چنین عنوان می کند: ۱- فقر و بیکاری ۲- محکومیت دراز مدت ۳- استعمال مواد مخدر ۴- دوری از خانواده ۵- خوشگذرانی ۶- استعمال مشروبات الکلی ۷- معاشرت با دوستان ناباب ۸- تعدد زوجات ۹- سارق بودن یکی از زوجین ۱۰- فساد محیط زندگی.

پژوهشی با عنوان " مطالعه ی طولی در مورد مشکلات زناشویی و طلاق ناشی از آن " به وسیله ی آماتو<sup>۱</sup> و راجرز<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) در آمریکا به روش پانل ( مطالعه ی طولی ) انجام گرفت. مطالعات آن ها نشان داد که مشکلات نکاحی ؛ مثل خیانت جنسی، حسادت، نوشیدن الکل، ولخرجی در پول، بد اخلاقی، عدم ارتباط و عصبانی بودن میزان طلاق را افزایش می دهند. در این میان رابطه ی جنسی نامشروع پیش بینی کننده ی قوی برای طلاق بود.

پژوهشی دیگر به وسیله ی سوت<sup>۳</sup> و لیود<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) با عنوان " جایگزین های ازدواج و انحلال آن " انجام گرفت که نتایج آن مانند نتایج پژوهش آماتو و راجرز بوده است. نتیجه ی این پژوهش نشان داد که دست کم در یک سوم طلاق های صورت گرفته یکی از زوجین زن یا مرد با شخص دیگری رابطه ی جنسی داشته اند، بنابراین مهم ترین علت طلاق رابطه ی نامشروع جنسی بوده است.

پژوهشی با عنوان " رابطه ی مصرف الکل و طلاق " به وسیله ی استاک<sup>۵</sup> و بنکوسکی<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) در روسیه انجام شد نتیجه ی این پژوهش نشان می دهد که نمی توان این فرضیه که بین مصرف الکل و طلاق رابطه وجود دارد را رد کرد و یافته های این پژوهش نیز با این فرضیه متناقض نیست. همچنین خاطر نشان می کنند که احتمال دارد برخی از این متأهلان که الکل مصرف می کنند، رابطه شان به طلاق منجر شود، اما این افراد ممکن است پس از طلاقشان بیش تر به مصرف الکل روی آورند.

1.-Amato

2.-Rogers

3.- South

4.-Liloyd

5.-Stack

6.-Bankowski

ادوارد<sup>۱</sup> و فولر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) پژوهشی با عنوان " اشتغال زن و عدم ثبات زندگی زناشویی " براساس نمونه ای از تایلند انجام دادند و نتیجه گرفتند که اشتغال زنان بر زندگی زناشویی مؤثر است به گونه ای که عدم ثبات زندگی زناشویی را افزایش می دهد. تحلیل های این محققین نشان داد که تأثیرات اشتغال زنان و تعداد ساعات کار مستقیماً بهم ارتباط دارند و این مسایل بر روی فرایندهای متفاوت زناشویی مؤثر هستند.

## مبانی نظری

در این پژوهش دو دسته از نظریه ها مورد بحث قرار گرفته است؛ ابتدا نظریه های جامعه شناسی خانواده ها و بعد نظریه های آسیب شناسی یا انحرافات اجتماعی زیرا بحث از هم گسیخته شدن خانواده و طلاق از یک سو یک بحث جامعه شناسی است و به دو نفر یعنی زن و شوهر باز می گردد که تشکیل خانواده می دهند و از ارکان اصلی خانواده اند و از سوی دیگر چون خانواده هم جزئی از جامعه ی بزرگ تر است، بنابراین در سطح کلان هم مورد بررسی قرار می گیرد پس نظریه هایی که در مورد خانواده وجود دارد، مورد بررسی قرار گرفته اند. همچنین بحث گسیختگی خانواده و طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی مورد توجه قرار خواهد گرفت و نظریه های آسیب شناسی اجتماعی بررسی خواهد شد.

## نظریه ی مبادله

یکی از نظریه پردازان این نظریه هومنز<sup>۳</sup> است که بیش تر به مبادله ی بین دو نفر توجه دارد و بر این باور است که اساس مبادله ی اجتماعی بر منفعت شخصی و ترکیبی از نیازهای اقتصادی و روانی استوار است و سعی کرده است قضایای خود را بر اصول روانی بنا کند. او قضیه های متفاوتی را بیان می کند که اساس نظریه ی مبادله را تشکیل می دهند. قضایای هومنز عبارتند از: (۱) قضیه ی موفقیت (۲) قضیه ی محرک (۳) قضیه ی ارزش (۴) قضیه ی محرومیت - سیری (۵) قضیه ی عقلانیت (۶) قضیه ی پرخاشگری - تایید (ریترز<sup>۴</sup>، ۱۳۸۸ صص ۴۳۱ - ۴۲۷).

روی هم رفته، می توان از نظریه ی مبادله، در تحلیل بیشینه سازی سود در تصمیم های مربوط به طلاق استفاده کرد. افرادی که تصمیم به طلاق دارند، باید ارزیابی منافع ازدواج خودشان نسبت به سایر ازدواج ها و همچنین نسبت به زندگی مجردی پس از طلاق بپردازند.

<sup>۱</sup>.-Edward

<sup>۲</sup>.-Fuller

<sup>۳</sup>.-Homans

<sup>۴</sup>.-Ritzer

### نظریه ی توسعه ی خانواده<sup>۱</sup>

نظریه پردازان این نظریه اذعان کرده اند که هنجارهای اجتماعی تعیین کننده ی زمان و ترتیب اتفاقات خانواده اند و انحراف از این هنجارها در نهایت منتهی به انحلال خانواده می شود (کلین و وایت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶).

### نظریه ی نظام ها<sup>۳</sup>

هر تغییری که بر یکی از اعضاء یا خرده نظام ها تاثیر داشته باشد، در کل خانواده اثر می گذارد. کارکرد نظام به تفهیم و تفاهم میان اعضایش بستگی دارد. این تفهیم و تفاهم اشکال گوناگونی به خود می گیرد، از آزاد و راحت بودن گرفته تا پیام های متناقض و استعاره هایی که اعضای مخاطب در خانواده شاید به راحتی آن ها را درک نکنند (والچاک، ۱۳۶۶ صص ۳۶ - ۳۵).

### نظریه ی نقش ها<sup>۴</sup>

بر اساس این نظریه هر کدام از افراد در خانواده دارای موقعیتی هستند و بر اساس آن موقعیت نقشی را ایفا می کنند. برای مثال؛ شوهر به عنوان پدر، همسر به عنوان مادر، پسر به عنوان برادر و دختر به عنوان خواهر به اجرای نقش می پردازند. شوهر به عنوان پدر نان آور خانه بشمار می آید و مادر وظیفه ی خانه داری را بر عهده دارد. نقشی که افراد در خانواده به عهده دارند با گذشت زمان در شرایط گوناگون دگرگون می شوند. خانواده که در ابتدا به وسیله ی عقد ازدواج زن و مرد بوجود می آید؛ نقشی را ایجاد می کند که جدا از نقش قبلی است. نقطه ی بحرانی این نقش شروع دوره ی زناشویی است. با ورود نخستین فرزند به خانواده، زن و شوهر نقشی دیگر را بر عهده می گیرند و روابط خانواده به صورت پیچیده تری در می آید (سیف، ۱۳۷۸ صص ۵۷ و ۴۳).

### نظریه ی شبکه ای<sup>۵</sup>

نظریه ی شبکه در مقابل نظریه ی هنجاری وجود دارد. به این ترتیب که از دید نظریه پردازان شبکه ای، دیدگاههای هنجاری، بر فرهنگ و فرایندهای اجتماعی شدن تاکید می کنند و این که هنجارها و ارزش ها در فرد درونی می شوند. در دیدگاه هنجاری چیزی که مردم را کنار هم نگاه

<sup>۱</sup>.-The Family Development Theory

<sup>۲</sup>.-Kelin & White

<sup>۳</sup>.-System Theory

<sup>۴</sup>.-Rols Theory

<sup>۵</sup>.-Network Theory

می دارد، یک سری ایده های مشترک است. نظریه ی شبکه ای این چنین دیدگاهی را رد می کند و اظهار می دارد که باید الگوهای علی که افراد جامعه را به هم متصل نگاه داشته، مطالعه کرد. اگر زن و شوهر هر دو به شبکه هایی از این قبیل تعلق داشته باشند و این شبکه ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به فراز روابط موجود تحمیل می گردد به گونه ای که زوجین به سوی فعالیت ها و افراد بیرون باز به منزل کشانده می شوند. در این حالت تفکیک خشک و انعطاف ناپذیر نقش ها امکان پذیر می شود زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه ی خانواده خواهد شد. (سگالن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰).

### نظریه های آسیب شناسی یا انحرافات اجتماعی

به نظر دورکیم هر جامعه ای بر اساس مجموعه ای از ارزش های مشترک و هنجارهای مسلط سازماندهی شده است. رفتارهایی که از چارچوب این ارزش ها و هنجارها منحرف شوند، به عنوان رفتار انحرافی و آسیبی شناخته شده و نیاز به یک نظام کنترل اجتماعی است که رفتارهای انحرافی را به رفتار عادی برگرداند. بنابراین، رفتار انحرافی یک عمل بدکار کردی است. او اذعان می دارد که رفتار انحرافی همچنین می تواند کارکرد مناسب برای جامعه داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

یکی از قواعد مهم دورکیم تمایز بین طبیعی و مرضی در جوامع است. در هر جامعه هنگامی که امری عمومیت کامل یافت، نسبت به آن جامعه صورت طبیعی دارد، در صورتی که ممکن است همان امر در جامعه ای دیگر شایع و مورد قبول نبوده، صورت غیر طبیعی یا مرضی داشته باشد. همچنین هنگامی که امری به مقدار کمی در جامعه شیوع شد و از نسبت معینی تجاوز نکرد، برای آن جامعه طبیعی بشمار می آید (البته منظور آن نیست که آن امر برای آن جامعه خوب یا بد است بلکه وجودش در آن جامعه طبیعی است)، ولی پس از گذر از آستانه ی معینی این امر جنبه ی مرضی به خود می گیرد (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

### فرضیه های پژوهش

۱. بین میزان گرایش زنان به طلاق و تفاوت سنی زوجین رابطه ای معنادار وجود دارد.
۲. بین میزان گرایش زنان به طلاق و تفاوت عقاید زوجین رابطه ای معنادار وجود دارد.
۳. بین میزان گرایش زنان به طلاق و تفاوت تحصیلات زوجین رابطه ای معنادار وجود دارد.

<sup>۱</sup>.-Segalen

۴. بین میزان گرایش زنان به طلاق و اعتیاد یا مصرف مشروبات الکلی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین میزان گرایش زنان به طلاق و ناباروری رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین میزان گرایش زنان به طلاق و برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری رابطه ای معنادار وجود دارد.
۷. بین میزان گرایش زنان به طلاق و عدم صداقت همسر رابطه ای معنادار وجود دارد.
۸. بین میزان گرایش زنان به طلاق و ازدواج اجباری رابطه ای معنادار وجود دارد.
۹. بین میزان گرایش زنان به طلاق و خشونت شوهر رابطه ای معنادار وجود دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در این مطالعه روش پیمایشی است و جامعه ی آماری مراجعین به دادگاه قضایی خانواده ی شیراز جهت گرایش به طلاق در سال ۱۳۸۸ می باشد که به روش نمونه گیری تصادفی ۳۵۳ نفر از این متقاضیان انتخاب شده است ( نمونه های مورد نظر و جامعه ی اصلی، بانوان درخواست کننده ی طلاق هستند).

واحد آماری در این پژوهش فرد است، یعنی هر کدام از افرادی که به دادگاه خانواده مراجعه کرده اند، به عنوان یک واحد آماری در نظر گرفته شده اند.

برای تعیین حجم نمونه ی لازم در این تحقیق از فرمول کوکران<sup>۱</sup> استفاده شده است که در سطح اطمینان ۰/۹۵ می باشد ( $\alpha=0/05$ )، پارامترهای آن شامل:

$$P=.5 \quad 1-P=.5 \quad D=.5 \quad N=4400 \quad z_{1-\alpha/2}=1.96$$

با استفاده از فرمول بالا تعداد حجم نمونه برابر با ۳۵۳ نفر است. این پژوهش در سال ۸۹-۱۳۸۸ در شهرستان شیراز انجام شده و روش پژوهش مورد استفاده روش پیمایشی است، بنابراین یک پرسشنامه که حاوی سوالات بسته بود، تنظیم و با استفاده از آن داده ها از نمونه ی مورد نظر گردآوری شد. در ضمن داده ها از راه پرسشنامه گردآوری شده است. پس از گردآوری داده ها از نمونه ی مورد نظر به وسیله ی پرسشنامه داده ها را کد گذاری و پس از کدگذاری، با استفاده از نرم افزار Spss داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بمنظور توصیف، طبقه بندی و خلاصه کردن داده ها از آمار توصیفی که شامل جداول ساده ی درصد توزیع فراوانی است، استفاده شده است و برای بررسی فرضیه ها و آزمون مدل نظری

<sup>۱</sup>-Cochran



پژوهش، از آمار استنباطی که شامل رگرسیون دو متغیره، رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون است، استفاده شده است.

### یافته های پژوهش

جدول ۱-۱ تا ۱-۹ توزیع فراوانی سن، میزان تحصیلات، شغل، تعداد فرزند، منطقه ی زیست، تفاوت سنی با همسر، میزان تحصیلات همسر و سن در موقع ازدواج

۱-۱- توزیع فراوانی سن

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
سن کم تر از ۲۰ سال	۴۰	۱۱/۳
سن بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۲۱۹	۶۲
سن بین ۳۰ تا ۴۰ سالگی	۷۴	۲۱
سن ۴۰ سال و بالاتر	۲۰	۵/۷
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۱-۲- توزیع فراوانی میزان تحصیلات

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
بی سواد	۳۴	۹/۶
زیر دیپلم	۴۰	۱۱/۴
دیپلم	۴۴	۱۲/۵
فوق دیپلم	۴۵	۱۲/۷
لیسانس و بالاتر	۱۹۰	۵۳/۸
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۱-۳- توزیع فراوانی شغل

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
آزاد	۵۹	۱۷
کارمند	۳۵	۱۰
خانه دار	۲۵۹	۷۳
تعداد کل	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۴-۱- توزیع فراوانی تعداد فرزند

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
یک فرزند	۱۰۶	۳۰
دو یا سه فرزند	۶۰	۱۷
بیشتر از سه فرزند	۷	۲
بدون فرزند	۱۸۰	۵۱
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۵-۱- توزیع فراوانی منطقه زیست

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
حوالی شمال شیراز	۱۲۶	۳۵/۷
حوالی شرق شیراز	۵۸	۱۶/۴
حوالی غرب شیراز	۶۵	۱۸/۴
حوالی جنوب شیراز	۱۰۴	۲۹/۵
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۶-۱- توزیع فراوانی تفاوت سنی با همسر

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۲ سال	۶۵	۱۸/۴
بین ۲ تا ۵ سال	۱۱۰	۳۱
بین ۵ تا ۸ سال	۴۵	۱۳
بین ۸ تا ۱۴ سال	۱۳۳	۳۷/۶
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۷-۱- توزیع فراوانی میزان تحصیل همسر

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
بی سواد	۳۵	۱۰
زیر دیپلم	۹۵	۲۷
دیپلم	۷۹	۲۲/۳
فوق دیپلم	۳۸	۱۰/۷
لیسانس به بالا	۱۰۶	۳۰
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۸-۱- توزیع فراوانی سن در موقع ازدواج

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
کم تر از ۲۰ سال	۷۷	۲۲
بین ۲۰ تا ۲۵ سال	۴۵	۴۸
بین ۲۵ تا ۳۰ سال	۶۱	۱۷
بالتر از ۳۰ سال	۱۷۰	۱۳
تعداد	۳۵۳	۱۰۰

جدول ۹-۱- توزیع فراوانی شغل همسر

فراوانی / سطح	فراوانی	درصد فراوانی
آزاد	۱۶۷	۴۷/۳
کارمند	۱۰۶	۳۰
بیکار	۸۰	۲۲/۷
تعداد کل	۳۵۳	۱۰۰

### تحلیل یافته های توصیفی

بر اساس یافته های توصیفی بدست آمده و با توجه به پرسشنامه بر اساس جدول های ۱-۱ تا

۱-۹

۱- میزان گرایش به طلاق در بین سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی، بالاست و بیش ترین فراوانی را دارد، علت این امر شاید مربوط به این موضوع باشد که بالا رفتن سن به آگاهی زنان و آشنایی با حقوق آن ها تاثیر مستقیم دارد در نتیجه زنان طلاق را بر ادامه ی زندگی نامطلوب ترجیح می دهند.

۲- با افزایش سطح تحصیلات زنان میزان گرایش به طلاق نیز افزایش می یابد. رابطه ی بین تحصیلات زنان و گرایش به طلاق نشان داد که هر چه میزان تحصیلات زنان بیش تر می شود، میزان گرایش زنان به طلاق نیز بیش تر می شود، آقاجانیان، مقدس (۱۳۷۴) و ساروخانی (۱۳۷۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که با بالا رفتن میزان تحصیلات، طلاق نیز افزایش می یابد. بنظر می رسد بالا رفتن میزان تحصیلات زنان یکی از راههای اساسی برای آشنا شدن آن ها با حقوقشان می باشد، بنابراین هنگامی که زنان با حقوق خود بیش تر آشنا شوند، سعی می کنند که به آن ها جامعه ی عمل ببوشانند و این امر می تواند گرایش آن ها به طلاق را در صورت نامطلوب دانستن زندگی، افزایش دهد. همچنین برتری تحصیلات چون حس زیان را در ایشان تقویت می کند، سبب می شود که تقاضای طلاق نیز در این قشر افزایش یابد.

۳- نتایج پژوهش نشان داد که زنان خانه دار نسبت به زنان شاغل گرایش بیش تری به طلاق داشتند، پژوهش انجام شده بیش ترین میزان فراوانی گرایش به طلاق در بین زنان دار بوده و کم ترین میزان گرایش به طلاق در بین زنان کارمند است.

چنانچه در قسمت پژوهش های پیشین آمد، ادوارد و فولر (۱۹۹۲) به این نتیجه رسیده بودند که اشتغال زنان بر زندگی زناشویی مؤثر است، اما این بر عکس انتظار پژوهش است. زنان خانه دار، چون احساس می کنند از بسیاری از موقعیت های اجتماعی محروم مانده اند، احساس زیان بیش تری می کنند در نتیجه گرایش به طلاق نیز در بین آنها بالا می رود.

۴- فرزند به عنوان عامل بازدارنده ی طلاق می تواند در میزان گرایش به طلاق تأثیر گذار باشد. بر اساس یافته های پژوهش زنان بدون فرزند بیش ترین فراوانی میزان گرایش به طلاق را نسبت به زنانی که بیش تر از سه فرزند دارند، به خود اختصاص داده اند. از نتایج جالب توجه این پژوهش رابطه ی بین تعداد فرزندان و گرایش زنان به طلاق است که جهت معکوس را نشان می دهد، یعنی هر چه تعداد فرزند خانواده بیش تر می شود، گرایش به طلاق کاهش می یابد و این نشان دهنده ی آن است که زنان، بیش تر به فرزند علاقه مند هستند و مادر نمی تواند به راحتی این مسئله را قبول کند و دست به طلاق بزند. هر چند ممکن است به جایی برسد که به ناچار دست به طلاق بزند. صدق آمیز (۱۳۷۶) و ساروخانی (۱۳۷۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هر چه تعداد فرزند خانواده بیش تر می شود، گرایش به طلاق کاهش می یابد. نظریه های که این امر را مورد توجه قرار داده اند، نظریه های شبکه ای، نقش و مبادله است. با ورود نخستین فرزند به خانواده زن و شوهر نقشی دیگر را بر عهده می گیرند و روابط خانواده به صورت پیچیده تر در می آید، زنانی که نسبت به دیگران فرزند بیش تری دارند، چون به وسیله ی فرزندان به بخشی از نیازهایشان پاسخ

داده می‌شود، در نتیجه احساس زیان کم تری دارند و به نسبت آن میزان گرایش به طلاق در بین آن‌ها کاهش می‌یابد.

۵- از نتایج دیگر پژوهش بالا بودن گرایش به طلاق از جانب زنان ساکن در شمال شهر شیراز نسبت به زنانی که در حوالی شرق یا غرب شیراز زندگی می‌کنند می‌باشد. بالاتر بودن گرایش به طلاق زنانی که در شمال شهر شیراز زندگی می‌کنند می‌تواند از راه نظریه ی توسعه ی خانواده، نظریه ی شبکه‌ای، نظریه ی نظام‌ها و همچنین نظریه ی آنومی تبیین کرد. همچنین فرد گرایی در مناطق شمالی (بالای شهر) احساس تنهایی و بی‌کسی را در افراد قوت می‌بخشد که باعث افزایش رفتارهای انحرافی مانند خودکشی و طلاق می‌شود.

۶- در رابطه با تفاوت سنی با همسر در این پژوهش زنانی که بین ۸ تا ۱۴ سال تفاوت دارند، بیش‌تر فراوانی گرایش به طلاق داده‌اند و تفاوت سنی بین ۵ تا ۸ سال کم‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. صدق آمیز (۱۳۷۶)، رحیمی (۱۳۷۹) و ساروخانی (۱۳۷۶) هم در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اختلاف سنی زیاد بین زوجین طلاق را در بین آن‌ها افزایش می‌دهد.

تفاوت سنی زیاد بین همسران، چون باعث عدم درک متقابل و همچنین تعامل کم‌تر می‌شود، بنابراین بین تقاضاها و پاداش‌های آن‌ها هماهنگی بسیار ضعیفی بوجود می‌آید. این امر احساس زیان را در بین آن‌ها تقویت می‌کند و جبران این زیان میزان گرایش به طلاق را در بین آن‌ها افزایش می‌دهد.

۷- در رابطه با میزان تحصیلات همسر، هر چه سطح تحصیلات همسر بالاتر باشد، در میزان گرایش به طلاق تاثیر بیش‌تری دارد. در این پژوهش بیش‌ترین فراوانی گرایش به طلاق را زنانی داشته‌اند که میزان تحصیلات همسران‌ها لیسانس و بالاتر بوده است و کم‌ترین میزان فراوانی گرایش به طلاق را زنانی داشته‌اند که همسران‌ها بیسواد بوده‌اند که عکس انتظار پیش‌فرض پژوهش و پژوهش‌های پور صادق‌کردی (۱۳۸۸)، صدق‌آمیز (۱۳۷۶) و صدق‌پور (۱۳۷۷) است. در مورد سطح تحصیلات همسر چون به دنبال نگرش به ازدواج، زنان در پی کسب موقعیت‌هایی بهترند، هنگامی که سطح تحصیلات همسران بالاتر باشد، در رسیدن به موفقیت‌های مورد نظر با مشکل مواجه می‌شوند و این امر باعث بوجود آمدن تعارض بین ارزش‌های مورد نظر و شرایط موجود در زندگی می‌شود و باعث احساس نارضایتی در زندگی می‌گردد و بر میزان گرایش به طلاق تاثیر می‌گذارد.

۸- اما نتایج نشان می‌دهد که هر چه سن ازدواج بالاتر می‌رود، گرایش زنان به طلاق بیش‌تر می‌شود. بیش‌ترین فراوانی میزان گرایش به طلاق در بین زنانی بوده است که سن آن‌ها در موقع

ازدواج بیش تر از ۳۰ سالگی بوده است و کم ترین میزان گرایش به طلاق، برای زنانی است که سنشان در موقع ازدواج بین ۲۰-۲۵ سال بوده است. چنانکه در پیشینه ی پژوهش ذکر شد، آقا جانیان و مقدس (۱۳۷۲) هم در مطالعه ی مربوط به طلاق در شهر شیراز به همین نتیجه دست یافتند. بنظر می رسد علت این امر مربوط به این موضوع باشد که بالا رفتن سن ازدواج از شاخصه های دوران جدید و نفوذ ارزش های نو است، از آنجایی که این افراد در سنین بالا اقدام به ازدواج می کنند از لحاظ احساس عاطفه نخواهند توانست مانند یک جوان، عشق، علاقه، شور و شغف را به همسر خود القا کنند و اصولاً با مسایل منطقی و به دور از هر گونه احساس و تا حدی نیز سرد و بی روح برخورد خواهند کرد که همین امر برای همسرانشان ناخوشایند و نگران کننده شده و اندک اندک عاملی برای جدال و درگیری خواهد شد.

۹- در رابطه با شغل همسر این پژوهش گرایش به طلاق در بین زنانی که همسر آنها دارای شغل آزاد هستند، بیش ترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند و کم ترین فراوانی میزان گرایش به طلاق در بین زنانی است که همسرشان بیکارند ( بر عکس انتظار پیش فرض پژوهش و پژوهش های رحیمی (۱۳۷۹)، پورصادق کردی (۱۳۸۸) و دانش و همکاران (۱۳۷۰) که بیکاری را یکی از عامل های طلاق زوجین عنوان نمودند) کسانی که دارای شغل آزاد و متعدّدند، همیشه بیرون از خانه اند و فرصت نخواهند داشت تا در کنار خانواده باشند در نتیجه این افراد به علت درگیری با افراد متفاوت همیشه خسته و رنجور بوده و با حالت خستگی و عصبانیت فراوان ناشی از کار و فعالیت سنگین به منزل باز می گردند و با چنین حالت روحی و روانی نخواهند توانست نیازهای عاطفی همسر را برطرف سازند و همین امر سبب مشاجره های متعدّد و در نهایت منجر به تزلزل نهاد مقدس خانواده می شود .

### بحث و نتیجه گیری

بررسی فرضیه ی نخست: بین میزان گرایش به طلاق و تفاوت سنی زوجین رابطه ای معنادار وجود دارد.

جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسون تفاوت سنی زوجین و میزان گرایش زنان به طلاق

تفاوت سنی زن و شوهر	نمره میزان در خواست طلاق	
۰/۲۷	۱	ضریب همبستگی پیرسون (نمره میزان در خواست طلاق)
۰/۰۰۲	۰	sig (۲-Tailed)
۳۵۳	۳۵۳	تعداد

جدول ۱-۲ همبستگی اختلاف سن زوجین و میزان گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
اختلاف سن زوجین	۰/۲۷	۰/۷۲۹	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۲۷	۳/۱۷	۰/۰۰۲

$$f=10.04$$

$$sigf = . / 002$$

ضریب تعیین ( $R^2$ ) در جدول ۱-۲ برابر با ۰/۷۲۹ / شده است که نشان می دهد ۷ درصد از تغییرات مربوط به گرایش زنان به طلاق با اختلاف سن زوجین بیان می شود. ضریب B نشان می دهد که اگر یک واحد به متغیر مستقل (اختلاف سن زوجین) اضافه شود، میزان گرایش زنان به طلاق به اندازه ی ۰/۳۸ افزوده می شود Beta در این جا نشان دهنده ی رابطه ی مستقیم بین متغیر مستقل و وابسته است. با توجه به سطح معنی داری که برابر با ۰/۰۰۲ / شده است، فرض  $H_0$  رد خواهد شد و فرض  $H_1$  در سطح اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می شود. صدق آمیز (۱۳۷۶) پژوهشی با عنوان (بررسی عامل های مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز)، رحیمی (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان (بررسی علل طلاق در استان خراسان) و ساروخانی (۱۳۷۶) نیز در اثرش (طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن) به این نتیجه رسیدند که اختلاف سنی زیاد بین زوجین طلاق را در بین آن ها افزایش می دهد. میزان تفاوت سنی زیاد زوجین (۱۴- ۸) سال برآورد زیان برای فرد را به همراه داشته و میزان گرایش زنان به طلاق را تحت تاثیر قرار می دهد. عدم تناسب سنی بین زن و مرد سبب دوری افکار، روحیه و خواسته های آن ها نسبت به یکدیگر خواهد شد و فرد بر اساس بر آورد سود و زیان حاضر به ادامه ی زندگی زناشویی نبوده و اقدام به جدایی می کند، بنابراین بین اختلاف سن زوجین و گرایش زنان به طلاق رابطه ای معنا دار وجود دارد و فرضیه تأیید می شود.

بررسی فرضیه ی دوم: بین میزان گرایش به طلاق و تفاوت عقاید زوجین رابطه ای معنا دار وجود دارد.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون تفاوت عقاید و میزان گرایش زنان به طلاق

تفاوت عقاید	نمره میزان گرایش به طلاق	ضریب همبستگی پیرسون (نمره میزان گرایش به طلاق)
۰/۳۸	۱	۰/۳۸
۰/۰۴	۰	۰/۰۴
۳۵۳	۳۵۳	تعداد

جدول ۱- ۳- همبستگی تفاوت عقاید و میزان گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Betat	مقدار T	سطح معنی داری
تفاوت عقاید	۰/۳۸	۰/۱۴	۷/۲۳	۰/۳۶	۰/۳۸	۳/۰۷	۰/۰۰۴

F=9.43 Sig F=0.004

بر اساس جدول ۱-۳- ضریب  $R^2$  برابر با ۰/۱۴ است یعنی ۱۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله ی متغیر مستقل (تفاوت عقاید) بیان می شود. ضریب B برابر ۰/۳۶ است یعنی با افزایش ۱ واحد تفاوت عقاید ۰/۳۶ میزان گرایش زنان به طلاق افزوده می شود.

ضریب Beta نیز مثبت است و رابطه ی مستقیم را نشان می دهد که سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۴ است و در سطح احتمال ۹۹ درصد فرض  $H_1$  مبنی بر رابطه ی بین گرایش زنان به طلاق و تفاوت عقاید پذیرفته می شود که نشان از مستقیم بودن رابطه دارد. سطح معنی داری ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۸ است که همبستگی بالایی دارد. سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲) پژوهشی با عنوان (بررسی علت های طلاق در شهر تهران)، مساواتی آذر (۱۳۷۵) پژوهشی با عنوان (خانواده های مهاجر روستایی و زمینه های طلاق)، دانش و همکارانش (۱۳۷۰) پژوهشی با عنوان (علل و عامل های طلاق در شهر تهران)، رحیمی (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان (بررسی علل طلاق در استان خراسان) انجام داده و همگی به این نتیجه رسیده اند که تفاوت عقاید عاملی مؤثر در طلاق است. میزان تفاوت عقاید بالا احساس زیان را برای فرد بوجود می آورد و تقاضای طلاق در میان کسانی که با همسر خویش، داری تفاوت عقاید بالا هستند، بیش تر است. خانواده ها در برابر عامل های گوناگون حساسیتی یکسان ندارند مثلا در یک جامعه ی معنوی اختلاف عقیده و ایمان زوجین ممکن است باعث طلاق شود. با توجه به رابطه ی بین متغیر مستقل و وابسته فرضیه تأیید می شود.



بررسی فرضیه سوم: بین میزان گرایش به طلاق و تفاوت تحصیلات زوجین رابطه ای معنادار وجود دارد.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون تفاوت تحصیلات و میزان گرایش زنان به طلاق

تفاوت تحصیلی زن و شوهر	نمره ی میزان گرایش به طلاق	ضریب همبستگی پیرسون (نمره میزان گرایش به طلاق) sig(۲-Tailed) تعداد
۰/۲۱	۱	
۰/۰۰۹	۰	
۳۵۳	۳۵۳	

جدول ۱-۴- همبستگی اختلاف تحصیلات و میزان گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
اختلاف تحصیلات	۰/۲۱	۰/۰۴	۷/۶۲	۰/۴۸	۰/۲۱	۲/۶۴	۰/۰۰۹

F=6.97 Sig F=.0009

ضریب تعیین ( $R^2$ ) در جدول ۱-۴- نشانگر آن است که ۴ درصد از تغییرات مربوط به گرایش زنان به طلاق با اختلاف تحصیلات بیان می شود. ضریب B شان می دهد که اگر یک واحد به متغیر اختلاف تحصیلات اضافه شود به اندازه ی ۰/۴۸ به میزان گرایش زنان به طلاق افزوده می شود. ضریب Beta نیز نشان از رابطه ی مستقیم بین اختلاف تحصیلات و گرایش زنان به طلاق دارد. سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۹ که نشان از رابطه ی بین اختلاف تحصیلات و گرایش زنان به طلاق است، در سطح ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد خواهد شد و فرض  $H_1$  مبنی بر رابطه پذیرفته می شود. پژوهش های سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، آقاجانیان و مقدس (۱۳۷۴)، رحیمی (۱۳۷۹) و ساروخانی (۱۳۷۶) همگی به این نتیجه رسیدند که اختلاف تحصیلات، عاملی مهم در وقوع طلاق بین زوجین است. برتری تحصیلات در میان زنان پنداشت زیان را در ایشان تقویت کرده و تقاضای طلاق در میان زنانی که تفاوت تحصیلی شان با همسرشان به نفع ایشان بوده و از لحاظ سال های تحصیل بالاتر از همسرانشان بوده اند، بیش تر از زنانی است که این عدم تفاوت در جهت عکس بوده است. رابطه ای معنادار بین اختلاف تحصیلات و گرایش زنان به طلاق است، بنابراین فرضیه تأیید می شود.

بررسی فرضیه ی چهارم: بین میزان گرایش به طلاق و اعتیاد یا مصرف مشروبات الکلی رابطه ای معنادار وجود دارد.

جدول ۵- ضریب همبستگی اعتیاد همسر به مواد مخدرو مشروبات الکلی و میزان گرایش زنان به طلاق

اعتیاد همسر به مواد مخدرو مشروبات الکلی	نمره میزان گرایش به طلاق	ضریب همبستگی پیرسون (نمره میزان گرایش به طلاق) sig(۲-Tailed) تعداد
۰/۳۱	۱	۳۵۳
۰/۰۴	۰	۳۵۳

جدول ۱-۵- همبستگی اعتیاد همسر به مواد مخدرو مشروبات الکلی و میزان گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
اعتیاد همسر به مواد مخدرو مشروبات الکلی	۰/۳۱	۰/۰۹۶۱	۶/۶۷	۰/۳۹	۰/۳۱	۲/۱۷	۰/۰۴

$$f=4.7 \quad \text{Sig}=.04$$

با توجه به جدول ۱-۵- ( $R^2$ ) یا ضریب تعیین برابر ۰/۰۹۶ می باشد یعنی ۹ درصد از تغییرات مربوط به میزان گرایش زنان به طلاق به وسیله ی اعتیاد همسر به مواد مخدر و مشروبات الکلی بیان می شود. ضریب B نشان می دهد که اگر یک واحد به متغیر اعتیاد همسر به مواد مخدر اضافه شود، میزان گرایش زنان به طلاق ۳۹ درصد افزایش می یابد، ضریب Beta نیز که مثبت است، نشان از رابطه ی مستقیم بین این دو متغیر دارد. سطح معنی داری برابر ۰/۰۴ است که نشان دهنده ی رابطه ای معنادار بین اعتیاد همسر به مواد مخدر و مشروبات الکلی و میزان گرایش زنان به طلاق می باشد. در پژوهش ها ی سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، رحیمی (۱۳۷۹)، ساروخانی (۱۳۷۶)، کی نیا (۱۳۷۳) و پور صادق کردی (۱۳۸۸) همچنین مطالعه ی طولی در مورد مشکلات زناشویی و طلاق ناشی از آن به وسیله ی آماتو و راجرز (۱۹۹۷) در آمریکا و پژوهشی با عنوان رابطه ی مصرف الکل و طلاق به وسیله ی استاک و بنکووسکی (۱۹۹۴) در روسیه، همگی در پژوهش ها و آثار خود اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی را یکی از عوامل مؤثر طلاق می دانند. وجود اعتیاد یا استفاده از مشروبات الکلی در بین مردان احساس زیان را برای همسران آن ها بوجود می آورد، ولی با توجه به فرهنگ های گوناگون، سود و زیان این مسئله ارزش نسبی در بین خانواده ها دارد. اعتیاد به مواد مخدر گرمی و وابستگی محیط خانوادگی را ذایل می کند به گونه ای

که همکاری و همزیستی عادی هم در این چنین وادی مرگباری از بین می‌رود. همچنین یک فرد الکلی به علت ابتلا به جنون معروف مشروبات الکلی نمی تواند پذیرای مسئولیت خطیر خود در نهاد خانواده باشد و از واقعیت زندگی همواره گریزان است. بین میزان گرایش به طلاق و اعتیاد یا مصرف مشروبات الکلی رابطه ای معنادار وجود دارد، بنابراین فرضیه تأیید می شود.

**بررسی فرضیه ی پنجم:** بین میزان گرایش به طلاق و ناباروری رابطه ای معنادار وجود دارد.

جدول ۶- ضریب همبستگی پیرسون ناباروری و میزان گرایش زنان به طلاق

ناباروری یکی از زوجین	نمره میزان گرایش به طلاق	
۰/۲۶	۱	ضریب همبستگی پیرسون(نمره ی میزان گرایش به طلاق)
۰/۱۲	۰	sig(۲-Tailed)
۳۵۳	۳۵۳	تعداد

جدول ۱-۶- همبستگی ناباروری و میزان گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
ناباروری	۰/۲۶	۰/۰۷	۸/۷	۰/۰۴	۰/۲۶	۱/۵۷	۰/۱۲

$$f = 2.47 \quad \text{Sig } f = .12$$

با توجه به جدول ۶ ضریب تعیین ( $R^2$ ) ۰/۰۷ است که نشان می دهد ناباروری ۷ درصد از تغییرات گرایش زنان به طلاق را بیان می کند. ضریب B نشان می دهد که اگر یک واحد به متغیر ناباروری اضافه شود، مقدار ۰/۴ به متغیر گرایش به طلاق افزوده می شود. Beta نشان می دهد که رابطه ی مستقیم بین دو متغیر است، با توجه به سطح معنی داری که برابر با ۰/۱۲ می باشد این مقدار بیش تر از ۵ درصد است. رابطه ی بین ناباروری و میزان گرایش زنان به طلاق معنا دار نیست و فرض ما رد می شود پس فرض  $H_1$  رد و فرض  $H_0$  مبنی بر عدم وجود رابطه پذیرفته می‌شود که بر عکس انتظار پیش فرض پژوهش های سیف الهی ننه کران(۱۳۷۲) و پور صادق کردی (۱۳۸۸) می‌باشد، بنابراین فرضیه تأیید نمی شود.

**بررسی فرضیه ی ششم:** بین میزان گرایش به طلاق و برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری رابطه ای معنادار وجود دارد.

جدول ۷- ضریب همبستگی پیرسون برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و میزان گرایش زنان به طلاق

عدم برآورده شدن انتظارات نقش همسری	نمره ی میزان گرایش به طلاق	نمره ی میزان گرایش به طلاق
۰/۷۸	۱	ضریب همبستگی پیرسون (نمره ی میزان گرایش به طلاق)
۰/۰۰۲	۰	sig (۲-Tailed)
۳۵۳	۳۵۳	تعداد

جدول ۱-۷ همبستگی عدم برآورده شدن انتظارات نقش همسری

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
عدم برآورده شدن انتظارات نقش همسری	۰/۷۸	۰/۶۰۸۴	۷/۲۹	۰/۳۷	۰/۶۰۸۴	۳/۲۴	۰/۰۰۲

f=10.49 Sig=.002

جدول ۱-۷- نشان از رابطه بین عدم برآورده شدن انتظارات نقش همسری و میزان گرایش زنان به طلاق دارد. حدود ۶۰ درصد از تغییرات، متغیر گرایش زنان به طلاق با عدم برآورده شدن انتظارات نقش همسری است. ضریب B معرف آن است که اگر یک واحد به متغیر برآورده شدن انتظارات نقش همسری اضافه شود، به اندازه ی ۰/۳۷ به گرایش زنان به طلاق افزوده می شود. ضریب Beta نشان از رابطه ی مستقیم بین این دو متغیر دارد. سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۲ است که با سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد خواهد شد و فرض  $H_1$  پذیرفته می شود. در پژوهش های سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، ساروخانی (۱۳۷۶)، کی نیا (۱۳۷۳) و پور صادق کردی (۱۳۸۸) برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری را یکی از عامل های مؤثر در وقوع طلاق بین زوجین می دانند، برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری احساس زیان بالایی را در فرد ایجاد می کند و فرد احساس می کند به رضایت و مطلوبیت مورد نظر نرسیده و بر عکس آن فرد به رضایت و مطلوبیت رسیده و به تعامل اجتماعی خوبی می رسند.

نقش هایی که افراد انجام می دهند، بر اساس انتظاراتی است که افراد دیگر و جامعه با توجه به ویژگی های فرد از او دارند. با توجه به این نظریه، خانواده را می توان به عنوان یک صحنه ی نمایش در نظر گرفت که بازیگر اصلی آن زن و شوهرند و بر اساس زن و شوهر بودن جامعه از آن ها

انتظاراتی دارد و زن و شوهر نیز انتظاراتی دارند. در نتیجه رابطه ی بین دو متغیر معنا دار و یا همبستگی بالا فرضیه ی مورد نظر تایید می شود.  
**بررسی فرضیه ی هفتم:** بین میزان گرایش به طلاق و عدم صداقت همسر رابطه ای معنا دار وجود دارد.

**جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون عدم صداقت همسر و میزان گرایش زنان به طلاق**

عدم صداقت همسر	نمره ی میزان گرایش به طلاق	
۰/۶۸	۱	ضریب همبستگی پیرسون(نمره میزان گرایش به
۰/۰۰۷	۰	طلاق)
۳۵۳	۳۵۳	sig(۲-Tailed) تعداد

**جدول ۸-۱- همبستگی عدم صداقت همسر و میزان گرایش زنان به طلاق**

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
عدم صداقت همسر	۰/۶۸	۰/۴۶۲۴	۷/۲۶	۰/۷۴	۰/۶۸	۳/۵۱	۰/۰۰۷

$$F=12.32 \quad \text{Sig } f=.007$$

با توجه به جدول ۸-۱- ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان میدهد ۰/۴۶ از تغییرات متغیر گرایش زنان به طلاق با عدم صداقت همسر بیان می شود. به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر صداقت همسر ۰/۷۴ به متغیر وابسته یعنی گرایش زنان به طلاق افزوده می شود، ضریب Beta نشان می دهد که جهت رابطه بین این دو متغیر مستقیم است. سطح معنی داری نشان می دهد در سطح ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد خواهد شد و فرض  $H_1$  یعنی وجود رابطه بین عدم صداقت همسر و میزان گرایش زنان به طلاق پذیرفته می شود. پور صادق کردی (۱۳۸۸) در کتاب بررسی علل و عامل های طلاق و کی نیا (۱۳۷۳) در پژوهشی در عامل های اجتماعی طلاق یکی از عامل های مؤثر در وقوع طلاق بین زوجین را عدم صداقت زوجین عنوان می کند. در زندگی زناشویی اساس رابطه ی متقابل و رضایت از این ارتباط، صداقت متقابل زوجین می باشد و هنگامی که عدم صداقت زوجین ثابت شود و این نوع رفتار اصلاح نشود، این رابطه ی متقابل خدشه دار شده و برای طرف مقابل احساس نارضایتی و زیان به همراه دارد، بنابراین رابطه ی بین متغیر مستقل (عدم صداقت همسر) و متغیر وابسته

(میزان گرایش زنان به طلاق) رابطه‌ی معنادار و همبستگی بالایی وجود دارد و فرضیه مورد نظر تایید می‌شود.

بررسی فرضیه هشتم: بین میزان گرایش به طلاق و ازدواج اجباری رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

جدول ۹- ضریب همبستگی پیرسون ازدواج اجباری و میزان گرایش زنان به طلاق

ازدواج اجباری	نمره میزان گرایش به طلاق	
۰/۳۲	۱	ضریب همبستگی پیرسون (نمره میزان
۰/۰۴	۰	گرایش به طلاق)
۳۵۳	۳۵۳	sig(۲-Tailed)
		تعداد

جدول ۹-۱- همبستگی ازدواج اجباری و میزان گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
ازدواج اجباری	۰/۳۲	۰/۱۰	۶/۷۴	۰/۳۸	۰/۳۲	۲/۱	۰/۰۴

$$F = 4.41 \quad \text{Sig } f = 0.04$$

جدول ۹-۱- نشان از رابطه‌ی بین ازدواج اجباری و میزان گرایش زنان به طلاق دارد. ضریب تعیین برابر با ۱۰٪ شده است که نشان می‌دهد ۱۰ درصد از تغییرات مربوط به گرایش زنان به طلاق با ازدواج اجباری بیان می‌شود. ضریب B نشانگر آن است که اگر یک واحد به متغیر ازدواج اجباری اضافه شود، به اندازه‌ی ۰/۳۸ به میزان گرایش زنان به طلاق افزوده می‌شود. ضریب Beta نشان می‌دهد رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر وجود دارد. سطح معنی داری برابر با ۰/۰۴ شده است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرض  $H_0$  رد خواهد شد پس فرض  $H_1$  مبنی بر رابطه‌ی معنا دار بین ازدواج اجباری و میزان گرایش زنان به طلاق پذیرفته می‌شود.

ازدواج اجباری می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده برای طلاق باشد و تا حدی می‌تواند زوجین را اجبارا به زندگی وادار کند و حتی مشکلات را به خاطر انتخاب خود تأمل کند و گرایش به طلاق ندهند. پور صادق کردی (۱۳۸۸) در کتاب بررسی علل و عوامل های طلاق و کی نیسا (۱۳۷۳) در اثرش، پژوهشی در عوامل های اجتماعی طلاق، یکی از عوامل های مؤثر در وقوع طلاق بین زوجین را ازدواج اجباری عنوان می‌کنند. بحث رابطه‌ی بین میزان گرایش به طلاق زنان با ازدواج اجباری در چارچوب نظریه شبکه‌ای قابل توجه است، ازدواج های اجباری با اصرار شدید والدین ناشی از تعصبی بی مورد و بدون در نظر گرفتن علایق و احساسات دختر و پسر همراه است و اساس و بنای

این گونه زندگی ها پایه محکم و استواری ندارد و سست و کم دوام است. رابطه ی بین این دو متغیر معنادار و همبستگی ضعیف است و فرضیه ی مورد نظر تایید می شود. بررسی فرضیه ی نهم: بین میزان گرایش به طلاق و خشونت شوهر رابطه ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰- ضریب همبستگی پیرسون خشونت شوهر و گرایش زنان به طلاق

خشونت شوهر	نمره میزان گرایش به طلاق	
۰/۷۴	۱	ضریب همبستگی پیرسون (نمره ی میزان
۰/۰۰۰	۰	گرایش به طلاق)
۳۵۳	۳۵۳	sig (۲-Tailed)
		تعداد

جدول ۱- ۱۰- همبستگی خشونت شوهر و گرایش زنان به طلاق

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
خشونت شوهر	۰/۷۴	۰/۵۵	۵/۱۸	۰/۱۱	۰/۷۴	۱۱/۶۵	۰/۰۰۰

F = 135.6

Sig F = ۰/۰۰۰۰

با توجه به جدول ۱- ۱۰- ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) نشان می دهد که ۵۵ درصد از تغییرات مربوط به متغیر گرایش زنان به طلاق به وسیله ی خشونت شوهر بیان می شود. ضریب B نشان می دهد که اگر یک واحد به متغیر خشونت شوهر اضافه شود، به اندازه ی ۰/۱۱ به میزان گرایش زنان به طلاق افزوده می شود. ضریب Beta نشان می دهد که رابطه ی مستقیم بین خشونت شوهر با گرایش زنان به طلاق وجود دارد. سطح معنی داری بسیار کم است که نشان از رابطه ی معنا داری قوی بین خشونت شوهر با گرایش زنان به طلاق دارد. پس فرض H<sub>۰</sub> رد خواهد شد و فرض H<sub>۱</sub> مبنی بر رابطه ی بین خشونت شوهر و میزان گرایش زنان به طلاق پذیرفته می شود. این نتیجه ی پژوهش با یافته های پژوهش های رحیمی (۱۳۷۹) و پورصادق کردی (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

قوانینی چون دیه، قصاص و حتی قوانین خانواده سبب شده تا مرد ریاست خانواده را بر عهده داشته باشد و بسیاری از حقوق یک جانبه به مرد داده شود، چنانچه شخص از کنش خود پاداشی را که انتظار دارد، بدست نیاورد، یا تنبیهی را دریافت دارد که انتظارش را ندارد، خشمگین خواهد شد و در چنین موقعیتی احتمال بیش تری دارد که رفتار پر خاشگرنه ای نشان دهد و نتایج چنین رفتاری برایش ارزشمند است. در این مرحله فرد برآوردی از سود و زیان ادامه ی زندگی زناشویی

خواهد داشت در نتیجه تمایل فرد نسبت به طلاق گرفتن بیش تر می‌شود، بین این دو متغیر رابطه معنادار و همبستگی بالا می‌باشد، بنابراین فرضیه ی مورد نظر تأیید می شود.

**تحلیل رگرسیون چند متغیره**

پس از توصیف داده ها و بررسی فرضیه های پژوهش به ساختن معادله هایی که برای پیش بینی میزان گرایش به طلاق بکار می‌آیند، پرداخته شد. در این مرحله معادله ای برای پیش بینی میزان گرایش زنان به طلاق ساخته شده است.

معادله ی مرحله ی نخست:

$$Y=a+b_1x_1$$

$$Y=۲۷/۶ + .۳۷X_1$$

معادله ی مرحله ی دوم:

$$Y=a+ b_1x_1+b_2x_2$$

$$Y=۲۵/۴۱ + .۳۷X_1+ .۱۴X_2$$

معادله ی نهایی برای پیش بینی میزان گرایش به طلاق زنان:

$$Y=a+b_1x_1+b_2x_2+b_3x_3$$

$$Y =۵۴/۳ + .۳۷ X_1+ .۱۴X_2+ .۱۸X_3$$

**جدول ۱۱- معادله ی رگرسیون چند متغیره پیش بینی میزان گرایش زنان به طلاق به روش گام به گام**

مرحله	متغیر وارد شده	R	R <sup>2</sup>	مقدار افزوده شده به R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	B	Beta	مقدار T	Sig T
اول	برآورده نشدن انتظارات نقش همسری	۰/۷۸	۱/۶۰۸	-	۷/۲۹	۰/۳۷	۰/۶۰۸۴	۳/۲۴	۰/۰۰۲
دوم	خشونت همسر	۰/۸	۰/۶۴	۰/۰۳	۶/۸	۰/۱۴	۰/۸	۴/۱۴	۰/۰۰۳
سوم	نداشتن صداقت همسر	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۰۵	۶/۱۵	۰/۱۸	۰/۸۳	۳/۵۴	۰/۰۰۵



از آنجایی که مدل ما توانسته با استفاده از سه متغیر برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت همسر و عدم صداقت همسر ۶۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی و فقط ۳۱ درصد بقیه را نمیتواند پیش بینی کند، می توان گفت از قدرت پیش بینی خوبی برخوردار است و مهم ترین متغیرهای تاثیر گذار بر گرایش زنان به طلاق به ترتیب برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت همسر و عدم صداقت همسر است.

در تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره ی یک معادله برای پیش بینی گرایش به طلاق زنان ساخته شد، در معادله ی رگرسیونی پیش بینی گرایش زنان به طلاق متغیرهای عدم برآورده نشدن انتظارات نقش همسری، خشونت همسر و عدم صداقت همسر وارد شدند و این سه متغیر توانستند ۶۹ درصد از واریانس متغیر وابسته یا گرایش زنان به طلاق را پیش بینی کنند و روی هم رفته، در تحلیل رگرسیون متغیره میزان شناخت قبل از ازدواج و کوتاه بودن مدت نامزدی، یا گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار داشته اند که هر دو رابطه معکوس بودند، اما متغیرهای اختلاف تحصیلی، سن یا گرایش به طلاق زنان رابطه معنادار مستقیم، ولی همبستگی ضعیف داشتند، همچنین سایر متغیرها معنادار بوده اند.

### نتیجه گیری

با توجه به فرضیه های تأیید شده و روابط بدست آمده میان متغیرهای مستقل و وابسته می توان چنین گفت که فرد بر اساس برآوردی که از سود و زیان ادامه ی زندگی مشترک خویش داشته حاضر به ادامه ی زندگی زناشویی و یا جدایی شده است.

میزان تفاوت سنی زیاد (۱۴-۸) سال برآورد زیان برای فرد به همراه داشته و میزان تقاضای طلاق را تحت تاثیر قرار می دهد.

میزان تفاوت عقاید بالا احساس زیان برای فرد بوجود می آورد تقاضای طلاق در میان کسانی که با همسر خویش دارای تفاوت عقاید بالا هستند، بیش تر مشاهده می شود به این صورت که با بالا رفتن تفاوت عقاید میان همسران دو طرف کم و بیش از انجام نقش مقابل راضی و خشنود نخواهند شد. فرد برآوردی از سود و زیان ادامه زندگی زناشویی خواهد داشت از سوی دیگر خود فرد نیز نسبت به انجام وظایف خودش با بی رغبتی عمل می کند در نتیجه تمایل فرد نسبت به طلاق بیشتر می شود.

تقاضای طلاق در میان زنانی که تفاوت تحصیلات ایشان با همسرشان به نفع ایشان بوده و از لحاظ سال های تحصیل بالاتر از همسرانشان بوده اند، بیش تر است. وجود اعتیاد یا استفاده از مشروبات الکلی در بین مردان احساس زیان را برای همسران آن ها بوجود می آورد، ولی با توجه به

فرهنگ‌های گوناگون سود و زیان این مسئله ارزش نسبی در بین خانواده‌ها دارد، اعتیاد به مواد مخدر گرمی و چسبندگی و دلدادگی محیط خانوادگی را ذایل می‌کند به گونه‌ای که همکاری و همزیستی عادی نیز در این چنین وادی مرگباری از بین می‌رود. همچنین یک فرد الکلی به دلیل ابتلا به جنون معروف مشروبات الکلی نمی‌تواند پذیرای مسئولیت خطیر خود در نهاد خانواده باشد و از واقعیت زندگی همواره گریزان است.

نا باروری یکی از زوجین در میزان گرایش به طلاق مؤثر است زیرا داشتن فرزند موجب بوجود آمدن لذت و رضایت زوجین می‌شود. وجود فرزند در محیط خانواده بویژه فرزند خردسال سبب گرمی و نشاط شده و مانند پیوند دوباره بین زن و مرد خواهد بود. ناباروری این رضایت‌مندی را دچار اختلال می‌کند و آدمی را دچار کمبود و خلاء عاطفی می‌کند و آرام آرام باعث سستی پایه خانواده گشته و در نتیجه منجر به طلاق می‌شود، بنابراین احساس زیان ایجاد می‌گردد.

برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری احساس زیان بالایی را در فرد ایجاد می‌کند و فرد احساس می‌کند به رضایت و مطلوبیت مورد نظر نرسیده و فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

در زندگی زناشویی اساس رابطه‌ی متقابل و رضایت از این ارتباط، صداقت متقابل زوجین است و هنگامی که عدم صداقت یکی از زوجین ثابت شود و این نوع رفتار اصلاح نشود، این رابطه متقابل و مطلوبیت خدشه دار شده و برای طرف مقابل احساس نارضایتی و زیان به همراه دارد، بنابراین در مرحله‌ی آخر، در ارزیابی ادامه‌ی زندگی زناشویی در سطح زیان قرار می‌گیرد و بر این اساس تقاضای طلاق می‌نماید و در این حالت قضیه‌ی پرخاش تأیید تئوری مبادله تأیید می‌گردد بدین معنی که هرگاه پاداش‌هایی را که فرد انتظار دارد در زندگی زناشویی به آن‌ها برسد، ولی نمی‌رسد، عدم رضایت از ادامه‌ی مبادله (زندگی زناشویی) در فرد ایجاد می‌شود که این امر در افزایش میزان طلاق مؤثر است.

## منابع

- ۱- احمدی، ح. ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی و انحرافات، انتشارات سمت.
- ۲- پور صادق کردی، ع. ۱۳۸۸، بررسی علل و عامل‌های طلاق، انتشارات کوشامهر
- ۳- توسلی، غ. ع. ۱۳۸۷، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سمت.
- ۴- دانش، ک. ۱۳۷۰، علل و عامل‌های مؤثر طلاق در شهر تهران»، پیک ماما، دوره ششم و هفتم، شماره‌های اول تا سوم، صفحات ۳۰ تا ۳۴.
- ۵- دواس، د.ا. ۱۳۸۷، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، انتشارات نی
- ۶- رحیمی، ح. ۱۳۷۹، بررسی عامل‌های طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۳۳ و ۳۴.

- ۷- ریتز، ج. ۱۳۸۸، نظریه های جامعه شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۸- ساروخانی، ب. ۱۳۸۴، جامعه شناسی خانواده، انتشارات فروزش.
- ۹- ساروخانی، ب. ۱۳۷۶، طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عامل های آن، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- ستوده، ه. ا. ۱۳۸۸، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور.
- ۱۱- سگالن، م. ۱۳۸۰، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، انتشارات تهران.
- ۱۲- سگالن، م. ۱۳۸۰، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، انتشارات تهران.
- ۱۳- سیف، س. ۱۳۶۸، تئوری رشد خانواده، انتشارات الزهرا.
- ۱۴- سیف الهی ننه کران، ح. ا. ۱۳۷۲، بررسی علت های طلاق، کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباط ها، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، صفحات ۱۴۱ تا ۱۵۲.
- ۱۵- صالح صدق پور، ب. ۱۳۷۷، بررسی عامل هایی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می شود، اصلاح و تربیت، دوره چهارمخ، شماره ۳۹، صفحات ۲۶ تا ۳۰.
- ۱۶- صدق آمیز، خ. ۱۳۷۶، بررسی عامل های مؤثر بر سازگاری زنانشویی در شهر شیراز، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، بخش جامعه شناسی.
- ۱۷- کی نیا، م. ۱۳۷۳، پژوهشی در عامل های اجتماعی طلاق، مطبوعات دینی قم.
- ۱۸- مساواتی آذر، مجید، ۱۳۷۵، خانواده های مهاجر روستایی و زمینه های طلاق، فصلنامه جمعیت، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶، صفحات ۴۰ تا ۴۹.
- ۱۹- والچاک، ابوت، ۱۳۶۶، طلاق از دید فرزند، ترجمه فرزانه طاهری.

20 - Aghajanian, Akbar and Ali Asghar Moghadas (1998). " Correlates and Consequences of Divorce in an Iranian City", Journal of Divorce & Remarriage, Vol. 28, 53-71.

21- Amato, Paul, R. and Stacy, J. Rogers (1997). " A Longitudinal study of marital problems and subsequent divorce", Journal of marriage and the family. Vol. 59, 612-624.

22- Edward, J.N, and ph. D. fuller, S. Sermario (1992). "Female Employment and marital instability: evidence from Thailand", journal of marriage and the family. Vol. 54, No. 1, 59- 68.

23- Klein, David M. and James M. white (1996). Family theories: and introduction.

24- South, S. and K. M. Lioyd (1995). " Spousal alternatives and marital dissolution" , american sociological review, vol. 60, 21-35.

25- Stack, Steven and Elena Bandowski (1994). " Divorce and drinking: an analysis of reussian data", Jorunal of marriage and the family, vol. 56, 805- 812.

